



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

بررسی منظومه ی مهر و مشتتری بر پایه علم بیان

:

دکتر مهدی کدخدای طراحی

:

دکتر محمد شکرایی

:

یداله اکبرزاده



**Payame Noor University**

Submitted in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of M.Sc

**In:** Persian language literature

**Department of:** literature and humanities

**Title:**

**Inspection of Mehr and Moshtary**

**on the base of the rhetoric**

**Supervisor :**

D. r Mahdi kadkhodaye Terahi

**Advisor :**

D.r Mohammad shokrayi

**By :**

Yadollah Akbarzadeh

FEB 2010

## من لم يشكر المخلوق لم يشكر

بعد از سپاس از خداوند بی همتا که توانایی به پایان رساندن این پایان نامه را به من عطا فرمود، از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر مهدی کدخدای طراحی که استاد راهنمای اینجانب بودند و نهایت تلاش و توانایی خویش را در همکاری با اینجانب به جا آوردند، ممنون و سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای دکتر محمد شکرایی که مشاوره اینجانب را پذیرفتند و راهنماییهای ایشان همواره چراغ راهم بود، قدردانی می نمایم.

## چکیده

محمد عصّار تبریزی از دانشمندان و شاعران قرن هشتم هجری است. مهمترین اثر عصّار مثنوی عاشقانه اما سرشار از مضامینی عارفانه به نام «                      » . این منظومه از نظر کاربرد صور خیال در نوع خود بی نظیر است و به همین دلیل بنده برآن شدم تا این منظومه را بر پایه علم بیان مورد بررسی قرار دهم.

شیوه ی این تحقیق کتابخانه ای می باشد و منبع اصلی در تعاریف و کلیات عناصر علم بیان، کتاب بیان دکتر شمیسا است. این رساله در سه بخش فراهم آمده است که در بخش اوّل و فصل اوّل شرح حال و آثار و افکار عصّار تبریزی آمده است و در فصل دوّم خلاصه ای از منظومه ی مهر و مشتری به نثر ساده ذکر شده است. در بخش دوّم که بیشترین قسمت این پایان نامه را در بر می گیرد، ابتدا در فصلی جداگانه تعاریف و کلیاتی از عناصر علم بیان آورده می شود و سپس در فصل هایی جداگانه برای هر یک از عناصر علم بیان چندین مثال با تحلیلی مختصر از منظومه ی مهر و مشتری آورده می شود تا خلاقیت عصّار در استفاده از عناصر علم بیان و آفرینش تصاویر شاعرانه نشان داده شود. بخش سوّم هم شامل فهرست ها و واژه نامه است.

### بخش اوّل

- 5 فصل اوّل: 1-1- شرح حال و آثار و افکار عصّار تبریزی
- 14 فصل دوّم: 1-2-

### بخش دوّم

- 19 فصل اوّل: 1-2- تعاریف و کلیات عناصر علم بیان
- فصل دوّم: 2-2- نمونه هایی از کاربرد مجاز و علاقه های مختلف آن در منظومه ی
- 55
- 64 : 2-3- نمونه هایی از کاربرد انواع تشبیه در منظومه ی مهر و مشتری
- 90 : 2-4- نمونه هایی از کاربرد انواع استعاره در منظومه ی مهر و مشتری
- 103 : 2-5- نمونه هایی از کاربرد انواع کنایه در منظومه ی مهر و مشتری
- 116 : 2-6- نمونه هایی از کاربرد استعاره گونه ها در منظومه ی مهر و مشتری
- 2-7- نمونه هایی از کاربرد اغراق، ایهام و اسناد مجازی در منظومه ی

## بخش سوم

126	نتیجه گیری
127	فهرست نام گل ها، درختان و میوه ها
128	
132	
134	چکیده لاتین

## معنی لغوی و اصطلاحی بیان :

«بیان در لغت به معنی کشف و ایضاح و ظهور و آشکار ساختن و واضح ساختن است. بیان شی است که با استفاده از آن، اندیشه ای یگانه را به شیوه های مختلف می توان گفت یا نوشت تا آن اندیشه، در یاد شنونده یا خواننده به خوبی جای گیرد. پس علم بیان می آموزد که در گفتن یک جمله چگونه می توان از عبارات مختلف استفاده کرد.»<sup>1</sup>

## واضع علم بیان :

«واضع این علم ابو عبیده معمر بن مثنی متوفی به سال 211 . . شاگرد خلیل بن احمد بصری است که مسائل علم الی بیان را در کتابی به نام مجاز ا  
عبدالقاهر جرجانی متوفی به سال 471 . . اساس علم بیان را استوار ساخت.»<sup>2</sup>

## مباحث علم بیان :

علم بیان شامل چهار فصل : « تشبیه ، مجاز ، استعاره و کنایه » اما با توجه به عقیده ی دکتر شمیسا ما در این پایان نامه یل، اسطوره، آرکی تایپ، ایهام ر حوزه ی علم بیان بررسی می کنیم.

## موضوع این پایان نامه :

در این پایان نامه عناصر گوناگون علم بیان در منظومه ی مهر و مشتری اثر محمد عصّ تبریزی بررسی می شود .

## درباره ی عصّار تبریزی و منظومه اش :

---

<sup>1</sup> . رنجبر، ۱۳۸۵، ص ۲۸.

<sup>2</sup> . همان، ص ۲۹.

محمد عصّار تبریزی یکی از عارفان و شاعران بزرگ قرن هشتم که گذر زمان باعث فراموشی نام و آوازه‌ی . اثر مشهور او که مقام مهمّی در مثنویهای عاشقانه فارسی « است که موضوع آن داستان عشقی میان خنجر و مشتری پسر وزیر .

### ضرورت تحقیق :

مهر و مشتری از نظر کاربرد عناصر بیانی مانند مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه و... بسیار قابل توجه است و کمتر بیتی را می توان درین منظومه یافت که خالی از صور خیال باشد. عصّار تبریزی به ویژگی های سبکی و هنری این منظومه بسیار توجه کرده و حتی خودش به استفاده از عناصر علم بیان در شعرش فخر می ورزد :

به لفظ موجز آن شیرین عبارت کشید اندر مجاز و استعارت

به انواع صنایع کرده توشیح به اقسام بدایع کرده ترشیح

خویشتن فصلی عیان کرد معانی را به لفظ خوش بیان کرد (بیت: 44-2842)

با توجه به اینکه زیباییهای این منظومه و سراینده آن در کنار شاعران بلندآواز

لازم بود تا کاری هرچند ناچیز درین راه صورت گیرد و منظوم

مشتری و عصّ یزی به دوستداران شعر و ادب فارسی معرفی شود.

:

هدف اصلی بنده از نوشتن این پایان نامه شناخت عناصر مختلف علم بیان و تحلیل این

می باشد. شناخت خالق اثر و معرفی او به علاقه

فارسی از اهداف دیگر بنده بود.



## پیشینه تحقیق :

تاکنون شگردهای هنری عصّار تبریزی در منظومه ر و مشتری از منظر علم بیان بررسی

## مشکلات و موانع :

روزی که این موضوع را برای نوشتن پایان نامه ام انتخاب کردم، از گستردگی دامد چنانکه مجبور شدم بیش از ده بار منظومه را از اوّل تا آخر مطالعه کنم زیرا باید یک منظر عناصر مختلف علم بیان را درین منظومه پیدا می کردم. شاید اگر شیرینی داستان مهر و مشتری نبود این کار را در میان راه رها می کردم اما خوشبختانه هر بار که آن را می خواندم لذّت بیشتری از آن می بردم و این انگیز بود تا کار را به پایان برسانم.

## شیو کار:

شیو انجام این تحقیق کتابخانه ای بوده و از طریق فیش برداری انجام شده است .

در تعاریف و کلیات عناصر علم بیان منبع اصلی بیان دکتر سیروس شمیسّا بوده اما فرعی دیگری که اختلاف چندانی با بیان دکتر شمیسّا نداشته اند نیز استفاده کرده ام. در شرح کنایات و واژه نامه از کتابهای برهان قاطع محمدحسین بن خلف تبریزی، لغت نامه کنایات سخن از دکتر حسن انوری فرهنگ فارسی عمید و فرهنگ معین استفاده کرده ام.

این پایان نامه . ر بخش اوّل شاعر و شرح احوال او و . در بخش دوّم ابتدا کلیات و تعاریف عناصر علم بیان را در فصلی جداگانه آورده ام و سپس در فصل های بعد بیت هایی به عنوان مثال بیان که این بیت ها به ترتیب مهر و مشتری به تصحیح رضا مصطفوی سبزواری میوه ها و درختانی که در

این پایان نامه



## 1-1- فصل اوّ

### شرح حال و آثار و افکار شمس الدین محمد عصّار تبریزی

« شیخ شمس الدین محمّد تبریزی از عرفا هجریست. عصّه ص می کرده و کونتش تبریز ناروایی بازار سخن دران شکایت داشته است. بتقریب به همین صورت که ذکر کرده ایم « ثبت کرده و امین احمد رازی » محمّد « در هیچ یک از نامی از پدرش نیاف .

مرحوم محمّدعلی تربیت و مرحوم سعید نفیسی نوشته اند که او علاوه بر « درغزلیات خویش » « نیز تخلص می کند. شیخ محمّد عصّه شاعری در علوم عقلی خاصه در ریاضیات فلکیات و نیز در علوم ادبیه متبحّر کتاب در عروض و قافیه و بدیع ه بی نیز بطرز لغت در علم قافیه نوشت «الوافی فی تعداد القوافی» که در آوردن اشعار به کار آید.

مرید شیخ مجد الدین اسمعیل سیسی بود که بعد از عمری طولانی بسال 760 وفات یافته بوده است. این شیخ اسمعیل غیر از عصّه تبریزی عده ای از بزرگان اواخر تربیت کرد محمّد مغربی، رکن الدین خوافی، آنان که همه از معاصران عصّارتبریزی . عصّار در خدمت این پیرمبارک نفس بمراتب بزرگ رسید. دوران زندگانی این شاعر مصادف بود با پایان دوره ی ایلخانا سعید ایلکانیان فاتشان با آذربایجان، در همین روزگار بود که عصّار اشعار خویش را در تبریز می سروده و « 748 یا 778 هجری پایان می برده . پیداست که ظهور او در شاعری مصادف می شد با عهد جلایریان ایلکانی بخصوص عهد شیخ اویس (756- 776) سلطان حسین (776-784) ولی این امر دلیلی

نمی‌آیند که او زندگانی خود را در در این سلاطین گذرانیده و

احوال او مبنی مدح شیخ اویس ایلکانی و گذرانیدن قسمتی از زندگانی خویش جلایر نوشته اند سزاوار تأیید شایسته‌ی تحقیق بی‌مشتري مدعی که اگر چه صد قصیده در مدح ساخته، بر سلاطین نخوانده است همچنان بی آنکه بکسی تقدیم کرده باشد در دیوان خود وارد کرده است نیز چنانکه از منظومه مشتری بر می آید که . بنابراین پیش از سال 748 که سال مشتریست شاعری این روی باید ولادتش در آغاز قرن دوران بارور زندگانش نیمه‌ی او 779 783 784 792 ص ۶۰۰ . هیچیک از این تاریخ‌ها م نیست.

که مقام مهمی در مثنویهای عاشقانه‌ی فارسی دارد »  
« که موضوع آن داستان عشق پاک منزّ از لوث شهوات جسمانی میان مهر پسر مشتری پسر وزیر شاپور. بنابر ادعای عصّار وی این منظومه را بر اثر پیشنهاد یکی از دوستان ساخت زیرا او شاعر را ملامت کرده بود که با اینکه مثنویهای عاشقانه توجه ننموده است و بهمین سبب عصّار مصمّ موضوع آن را از عشقهای معمولی بیرون برد و به عشقی که از عدّ یعنی عشق افلاطونی منحصر کرد.

پیداست که عصّار در نظم این داستان شیرین نظامی نظر داشت ولی در همان حال می‌خواست ابتکاری نیز . او به یاری طبع وّ ایجاد مطالب مضامین تاز خوبی در این منظومه برآمد که مورد ستایش سخن شناسان مضمون جوی . اسم این منظومه را عصّار گذارده بلکه »  
بود ولی به سبب آنکه دو قهرمان اصلی داستان « » « این اسم بعدها بدین عشقنامه یا مهر و مشتری را عصّار در پنجهزار و یکصد بیست بیت بتاریخ دهم 748 هجری پایان رسانیده و درین باره گفته :

میم با

ریب پنج ساعت رفته از روز  
بوقت اختیار و فال فیروز  
رسید این نام نامی با تمام  
کشید آغاز این دفتر به انجام  
کسی کاین دفتر فرخنده خواند  
اگر در خاطرش گردد که داند  
که ابیات بدیعش را عدد چیست  
بگوش پنج الفست و صدو بیست<sup>1</sup>».

استاد سعید نفیسی نوشته اند: «عصّار از شعرای دربار اویس بو  
دیگر می پرداخت. عاقبت از مدیحه سرایی دلسرد شد و به انزوا  
کرد<sup>2</sup>».

«عصّار به ممدوحان توجهی و به مدّاحی حکام و دولتمردان رغبتی نداشت. کنج  
را با دیدار هیچ سیا دنیا داری مبدّ مدیحه ای به پادشاهی تقدیم  
نکرد افکار عالی عرفانی و اندیشه های عمیق اخلاقی خود را به پای مردم روزگار  
ریخت.

از علم و حکمت جو تمامی که تا گردی علم درنیکنامی

عبارت از حیات جاودانی که علم آم عانی

آنکه زین معینش برگ است یقین بار درخت جهل مرگ است (بیت: 90-488)

انگیزه سرودن مهر و مشتری علاقه خاص عصّار زبان وادب فارسی و  
ایرانی و میراث علمی گذش دستور حکّام زمان. وضع زندگی ساده و  
طلبی او، ابسته نبودنش را به حکّام زمان تأیید می کند. عصّار از روی گردانیدن مردم از معارف و  
سختی معیشت افاضل و خریدار نداشتن ک حتی قرض گرفتن  
نابسامانی جامعه شکایت دارد و اگر کمترین تقرّبی به حکام زمان می داشت بدون شک

<sup>1</sup> صفا، ۱۳۷۲، صص ۱۰۲۲-۱۰۲۹.

<sup>2</sup> نفیسی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۳.

روزش بهتر از آن بود که گفته اسد . عصّار شاعری متعّه اوضاع روزگار او در آینه بیات زیر نمودار است:

درین دور خرد فرسای خونخوار  
که جهل از وی عزیز ست و  
خلای

یا دلّی نسنجندش به و

ر پشت استر کنندش جمله با عیسی برابر

افاضل در مضایق گشته مجنون  
غذاشان چون جنین

بایعان جنس اشعار  
که آن را نیست کس قطعاً خریدار

لذیذ حاصلی جز حرقت ودمع  
به هر مجمع که سربرکرده چون شمع

بیمار  
زآب چشمشان اجرا واد

زعیانی همیشه زرد ولرزان ... (بیت: 130-124)

عصّار به استناد آنچه از اشعارش بر می آید شاعری است آزاده و « پای بند حبس و مستمند کنج  
« (بیت : 160) که نمی خواهد »  
« (بیت 4992) .

ی پاک و دور از حبس نفسانی است میان »  
« پسر وزیرش. عشقی »  
ریایی : «

پس آنکه کردم از راه درایت  
ز مهر و مشتری با وی حکایت

از آن عشقی ز هر علت معرّ

هوایی پاک از گرد ریایی

فکنده پر در او مرغ هوایی (بیت: 213 215 )

به تعبیری دیگر عشقی افلاطونی که از زمان کودکی تا پایان حیات میانشان استوار می ماند .  
عصّار درین منظومه دلکش هر فرصتی را غنیمت می شمارد و اندیشه های حکمت آمیز خود را  
می نماید و به اندرز خوانندگان می پردازد:

نگوید هر که اورا دل سلیم است	که عشق این شهوت و میل بهیم است
چو شاه عشق بی اعوان و لشکر	کند ملک دل و جانرا مسخر
هماندم در سیاست گاه خواری	کند بر دار شهوت را
	که بهر کام باشد تیز دندان

هر آن کو کام دل جوید بود بر کام خود عاشق نه بر یار (بیت: 241-238)

دیگر از موضوعهایی که در این منظومه وجود دارد عب  
بیان معتقدات اسلامی  
آیات واحادیث، مناجات با حق تعالی، وصف پیامبر و  
نیز اندیشه های  
کلامی و از جمله جبرگرایی و در عین حال باورهایی از آداب و  
فرهنگ ایرانی و اساطیر  
کهن و نکاتی پیرامون پاره ای از این گونه باورها مربوط به سیمرغ و  
ییلگوش حیوانات  
آدمی خوار، جمشید و پادشاهان باستانی ایران و ل مربوط به باستان گرایی و...

ذکر اص	فنون از قبیل:	حکمت، موسیقی،
کلام و عرفان،	غیره در منظومه بسیار است که هم	اینها نمایان
عصّ	ین گونه دانشهای معمول زمان اوست.	باید گفت اطلاعات مندرج در
	قبیل آگاهی های تاریخی، اسطوره ای، اسلامی، اجتماعی، لشکری	
کشوری، رزمی، بزمی و غیره هر	یک به نحوی شایان توجه	که این همه خود از مظاهر غنا و
توانگری شعر عصّار محسوب می گردد.	عصّار در هر موقعیتی که دست می دهد و	

رویدادهای صحنه های داستان از دادن پند و بیان نکات اخلاقی و نصیحت های سودمند دریغ نمی ورزد و به اقتضای حال و مقام این تعهد خود را ادا می کند .

به حق جو در همه بابی توسل برو کن در همه کاری توکل

یقین آن کز پی مطلب شتابد بزودی باز یابد (بیت-8-2637)

رسد بی شک به مقصد هر که پوید مراد دل بیابد هر که جوید (بیت:2642)

علاوه بر مواردی که اندرز خواننده می پردازد، در بعضی موارد به مناسبتهایی که پیش می آید چندین بیت به مسائل حکمت عملی و اخلاق اختصاص می یابد، از آن جمله گفتار پایانی کتاب تحت عنوان: «

یکی دیگر از ویژگیهای این منظومه داشتن وصف های زیباست. عصار در توصیف و چهار فصل و کوه حمام و بدن همچون پیشانی ابرو، چشم، بینی، گوش، دهان و حتی بازو، ناخن، میان، پشت یا وصف بهار، باغ، ریاحین، دریا، آتش و کشتی و غیره همه چیز و می تواند جولانگاهی برای توصیف های او باشد. ویژگی های سبکی و هنری منظومه نیز شایان توجه مجاز و کنایه و ایهام و ایهام تناسب و تلمیح در این منظومه کاربرد فراوانی

عصار ضمن اینکه ابداع و ابتکاری در سرودن داستان مهر و شیرین نظامی نیز توجه دارد و آن را شیرین می سراید. هم عصار از جهت سبک بیان و شیو ادبی پیرو مکتب نظامی به شمار می رود همچنانکه از جهت علمی و دانش نجومی و هنری از پیروان خواجه نصیر محسوب می گردد.

کوتاه سخن آنکه با دسته بندی و تنظیم اندیشه ها و نظرات عصار در آغاز منظومه ابیات منظومه و خاتم آن و نیز در بعضی اشارت غیر مستقیم در ضمن داستان، می توان به روو زیر دست ی



1-

فی عاشق است

گرایشی که شاعر به

زهد از خود نشان می دهد . او با طرح اصل اتحاد ارواح در ماورای طبیعت و

پیش از تعاد نهادن بنای داستان برین شالوده وصال روحانی را ناگزیر از گرایش

جوهری و جبری عشق می داند. این که در داستان می بینیم مشتری در پاسخ ملامت بدر که

نصیحت او پرداخته است، می گوید: من سزاوار این عشق نیستم اما این قدر عالی را

در ازل قسمت من کرده است و از آن ناگزیرم (زلزله عشق). و نیز از این جاست که مهـ

و نیز واکنش ها همانندند و از ترک دیار با همه

دوری، یکدیگر را چون آهن و مغناطیس می ربایند و در آخر مرگشان نیز با هم است.

عصّار از سویی عشق راستین ( نی ) را از شهوت پرستی یکسره جدا می کند از سویی

دیگر براین عقیده است که عشق مجازی پلی برای رسیدن به حقیقت است که البته نباید در آن

باید از صورت های بی جان گذشت و به معنا رسید.

جهان می داند.

عاشق به سعی عشق از کفر و ایمان می رهد و از خرقه پندار و گمان هست بودن بیرون می

آید. عشق را مقاماتی است، این مقامات را عصّار چنین بر می شمارد: 1- 2- میل 3-

4- مؤدّت 5- 6- 7- یانت 8- محبّه 9- .

از دید اگر عشق از شوایب تهی باشد عاشق را به چنین مرحله ای می رساند که از او خرق

عادت و حالات عجیب روی می نماید و نیز حالاتش در معشوق اثر می کند.

او عاشق می شود و در نهایت به اتحاد می رسند، همچنانکه در آغاز بوده ا . اما

این کار بی توفیق حق صورت نمی بندد و ابواب تحقیق آن زمان گشوده می شود که حق یاری کند و

گاه است که قطره حالی بحر مطلق می شود. اما عشق خالی از شوایب

چیست؟ اعراض از ریا و غ ...گذشتن از خویشتن باید ابتدا همه چیز

:

ریق عشق چون گیرد کسی پیش نهاد پای نخستین بر سر خویش (بیت: 1211)

گذر کن که تا یابی گذر بر عالم عشق

بی      ببند این در مگرز آن در درآیی (بیت 89-1288)

عشق طریقی پر آفت است و در آن نوش و نیش همراه، پس آن را پردلی جانباز باید نه رعنائی  
تن پرور، کسی باید که در راه قدم نهد از سر نیندیشد و بر خو .

عصّار تصریح می کند که عشق ناکام نخواهد ماند و اگر عاشق بکوشد به مقصد خواهد  
رسید و در داستان نیز می بینیم که مهر و مشتری و نیز      ناهید به وصال یکدیگر می رسند اما  
با نگاهی ژرفتر و با در نظر داشتن عشق مشتری به مهر می یابیم که وصال راستین فقط از طریق  
جهان ماده یعنی مرگ ممکن است. شاید از همین جاست که مشتری پس از وصال نیز  
آنچنان که سزاوار واصلان است، دیده نمی شود و آنجا که مهر به عیش  
رانی پرداخته است، او روی به دیوار      خیال یار را در برابر نهاده، همانا با خیال یار  
نیز از وصل مهر به نگاهی در روز بسنده می کند. کامرانی مشتری  
وقتی است که روحش در صورت پرنده ای سبز با روح مهر در همان صورت بال دربال به  
آسمان می پرد.

2- اگر چه عصّار واضع داستان مهر و مشتری نیست اما همین انتخاب او ( )  
ن نیز باستانی باشد) اسامی قهرمانان داستان، تعبیرها و تشبیه ها و تلمیح ها ( تاج کیانی،  
فرق کیان، وارث جم، گنج قارون، کیخسرو، فریدون و...) گرایش او به ایران باستان  
نشان می دهد. البته نادیده نباید گرفت که از انگیزه های این باستان گرایی یکی تأثیرپذیری  
شیرین نظامی است.

3- عصّار در عین باستان گرایی از آنجا که مسلمان است و در جامعه ای مسلمان زندگی می  
کند و وارث ادب و فرهنگ مسلمین کتاب را از تعبیرها و تلمیح ها و سخنانی که مظهر اسلام  
گرایی اوست خالی نگذاشته است، او با احترام بسیار و      انبیای الهی، پیامبر اسلام،  
یاران او و معراجش یاد می کند در ابی      این      اشارتی به آیتی یا روایتی هست.

4- شاعر ما پیرو آنچه گفتیم از فرهنگ مسلمین برخوردار است و پیداست که عام  
مسلمانان را در باب تقدیر نظر چیست؟ عصّار همه چیز را تابع تقدیر و سرنوشت می داند، کسی  
را نیارد تغییر داد، بودنی بوده است و منع سودی ندارد، قضایی که بر لوح، مسطور  
است به سعی ما از ما دور نخواهد شد و هیچ کس را از خود قدرتی نیست.

5- عصّار نظامی وار نظرات خود را دربار ادبیات در منظومه اش به عبارت کشیده است. حری می داند که باید به تأیید حق، مبین شود و برین عقیده است که سخن باید باریک باشد باریکی از آن جهت که از آن چیزی رونماید، از این جاست که به سنت سبک دوره اش گرایش شدید به استعمال صناعات بدیعی دارد تا شاید در آن دوران که مضامین سبک عراقی روی به اال می نهاد و باب این سبک را حافظ به نوعی و نظامی به گونه ای دیگر فرو ، معانی تازه ای ابداع کند یا معانی قدیم و مک دلاویز کند و تازه بنماید.

6- عصّا بسیار حسّاس، این است که گریز از هیاهو و رنگارنگی و دورویی زرپرستی او را به خلوت و انزوا و یکتا دلی و زهد می کشاند.

7- شاید به همین دلیل باستان گرایی و علاوه بر آن در اثر رنجیدگی از ثمرات ترکتازیهای ترکان در ایران عصّار در قالب داستان با ترکان می ستیزد و به شمشیر « از آنان کین می کشد، امّا در نهایت خاقان ترکان را که اسیر شده است هم به دست مهر از مرگ و اسارت می ، شاید ضمیر ناخودآگاه عصّار اجاز کشتن خاقان ترکان را به شاعر نمی دهد. و شاید هم برای آن که شاعر با این کار خواسته است بر مراتب جوانمردی قهرمان داستان بیفزاید و شاید نیز قصد آن داشته است که این کین کشی را پیوسته و هموار کند زیرا خاقان قرار است که پس ، هر سر سال مبلغی مال برای کیوان بفرستد و خراجگزار ا )  
برابر ترکان تصوّرش را هم نمی شد کرد )<sup>1</sup>.

<sup>1</sup> ۱۳۷۳، صص ۱۷-۳۰.

## 1-2- فصل دو

مهر و مشتری با نام خدا آغاز می شود و با نعت حضرت سید المرسلین و ابیاتی معراج پیامبر ادامه پیدا می کند. عصا بعد از آن در سبب نظم کتاب می گوید که جلیسی «یکتا و هموار» از او خواست که کتابی نغز بسازد که دستوری در عشقبازی باشد دور از شهوتی که در

ابیاتی در مراتب عشق و مقامات آن ادامه پیدا می کند. در این منظومه نخستین منزل مقامات میل، علاقت، مودت، صیانت، محب

قرار می گیرند. بعد از ذکر مقامات عشق اصل داستان مهر و غاز می شود که خلاصه آن چنین است: پادشاهی دادگر و کامروا به نام شاپور در استخر زندگی می کرد. وزیری دانا و داشت که در کار حکومت داری بسیار کاردان و کامل بود. به طور کامل به او . آن دو از بهره های زندگی فقط فرزند را کم داشتند.

روزی پادشاه و وزیر عازم شکار می شوند. در کنار کوهی بلند پیرمردی خوب دیدار و گرم و سرد چشید روزگار را دیدند. وزیر در مقابل پیر زانو زدند و دستش را بوسیدند. پیرمرد به علت صفای باطن مقصود آنان را دریافت. سپس قرصی نان به هر کدام داد و گفت موقع کام و صحبت با جفت خود مقداری از این نانها را بخورید

خورشید برایتان بیاورند. وقتی شاه و وزیر این سخنان را شنیدند پیرمرد را با احترام بوسیدند. سپس بسوی لشکر روی نهادند و عمل کردند . آن شب به سخن پیر ن هر کدام صاحب پسری مانند ستار و وزیر نام فرزندش را مشتری گذاشت.